

## درآمدی بر سیاست خارجی دولت اسلامی در متون اسلامی با تاکید بر نهج البلاغه

□ علی علمی \*

### چکیده

جایگاه والای سیاست خارجی و روابط بین المللی دولت اسلامی، نشانگر هدفمند و ارزشی بودن این رکن مهم در حاکمیت دینی و ولایی است. لذا در پرسش به سوال اصلی این پژوهش «سیاست خارجی اسلامی در متون اسلامی بویژه در نهج البلاغه چه جایگاهی دارد» هیچ عاملی مانند کرامت انسانی و هویت بشری موجب موفقیت و تضمین سیاست خارجی نمی گردد و در این راستا این عنصر به عنوان هدفی مقدس و مبنائی مستحکم ضامن موفقیت و ثبات ارزش های جامعه اسلامی و نهادهای مربوطه بویژه در بستر سیاست هنجاری و مدیریت برون مرزی به هنگام دولت اسلامی است. این رکن سرنوشت ساز در صورت پاسداشت آن، هم فوق العاده در تحولات اثر گذاری مثبت داشته و هم در حالتی که نادیده گرفته شود، در تنش ها، بحران ها و ناملایمات سیاسی اجتماعی، بسیار تاثیر پذیر می باشد و موجی از نا امنی به بار خواهد آورد.

**واژه های کلیدی:** کرامت انسانی، سیاست خارجی، سیاست بین الملل، سیاست اسلامی، سیاست خارجی دولت اسلامی، نهج البلاغه.

## مقدمه

لحاظ به طور طبیعی برای استواری و انسجام این نهاد کلیدی مانند هر موضوع دیگری که دارای شرایط و ضوابط بوده، در اسلام نیز ساختار و بدنه حساس سیاست خارجی، بین الملل و روابط دیپلماتیک، دارای یک سری عوامل، اصول و مبانی می باشد.

یکی از این عوامل موثر ارزشی و اعتقادی در سیاستگذاری خارجی (قوام، ۱۳۸۴: ۱۳۵) و از جمله ادله و خمیرمایه های راهبردی، کرامت انسانی و ارزشمندی بشریت است که راهنمای سیاست مداران و کارشناسان عرصه سیاست خارجی مکتبی است. این عنصر حیاتی با شاخصه های بی بدیلش (رساله دکتری نویسنده مسئول) به عنوان یکی از پایه ها و اساس های سیاست خارجی دولت اسلامی در این پژوهش مورد توجه است که بویژه از منظر نهج-البلاغه مورد تاکید قرار خواهد گرفت. این ناچیز تقدیم به ساحت نورانی امام مومنان و پیشوای پرهیزگاران علی علیه السلام می شود.

## مفهوم شناسی

شناسایی و تبیین مفاهیم مربوطه در پژوهش حاضر، درک و شناخت درستی از فضا و جوی در بر خواهد داشت که این تحقیق در صدد بررسی و تحلیل آن می باشد و افق جدیدی را ترسیم خواهد کرد.

## کرامت انسانی

در لغت به معنای شرافت (حمیری، ۱۴۲۰: ۵۸۰۴)، در فرهنگ فارسی عمید به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد بودن، بزرگی و ارجمندی و بخشنده گی آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۸۴) و ابن فارس در این زمینه آورده است «کرم» یا به مفهوم شرافت نفسانی است و یا به معنای شرافت اخلاقی است و کریم که از اسمای الهی است به معنای بخشاینده گناهان بندگان است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۷۱). قدر متیقن از این تعاریف لغوی را می توان ارزشمندی و هویت اصیل انسانی بر شمرد که در بستر جامعه می تواند با اختیار خویش خود را به نقطه مطلوب رسانده و یا با انتخاب مسیر انحرافی از حق و سعادت همیشگی رو به نابودی و فنا رود.

در اصطلاح، با اینکه در اکثر کتب مربوطه در این حوزه، کرامت انسانی چندان تعریف

منحصر به فردی در اصطلاح ندارد و بیشتر معنای لغوی مورد تاکید قرار می گیرد، ولی در عین حال به دو تعریف در این مقام اکتفا می شود: منظور از کرامت این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه بطور محرمانه زندگی کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۹۱). و استاد فرزانه فقید عمید زنجانی در این خصوص آورده اند «انسان موجودی است دارای کرامت ذاتی که از آفریدگار خویش به ارمان گرفته است و این کرامت از نخستین روزهای تکوین و شروع رشد وی به سمت و انسان کامل شدن با او همراه است و تا هنگامی که خود را از این ارزشمندی محروم نکرده است با او جاودانه است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۲۵) در واقع پیمودن مسیر دشوار تکامل و رسیدن به قله مرتفع ارجمندی حقیقی بدون احساس هویت، جوانمردی درونی و بزرگواری سازنده در بشر غیر ممکن می باشد.

کرامت اصطلاحی همچنین در بند اول اعلامیه حقوق بشر تحت عنوان حیثیت (علی بابائی، ۱۳۸۷: ۴۷۵) و در اعلامیه حقوق بشر اسلامی تحت عنوان شرافت انسانی (علی بابائی، ۱۳۸۷: ۴۹۴) ذکر شده است. در نتیجه هویت، شخصیت، ارزشمندی، بزرگواری، جوانمردی، مردانگی، شرافت ارزشی و عزت بشری برای اصلاح و پیشرفت همه جانبه او ضروری بوده و بدون کرامت انسانی پیمودن نردبان ترقی و رشد جهانشمول محال است.

سیاست: در تعریفی سیاست علم حکومت بر کشور؛ فن حکومت بر جوامع انسانی و علم قدرت که توسط دولت به شکلی به کار می رود تا نظم اجتماعی را تأمین کند (علی بابائی، ۱۳۸۷: ۲۱۶). در تعریفی دیگر سیاست هنر و عمل حکومت در کشور است (علی بابائی، ۱۳۸۲: ۳۵۷). همچنین مرحوم عمید سیاست را در لغت به معنای حکومت، ریاست، امر و نهی، سزا و تنبیه، پرورش و پروراندن دانسته و در اصطلاح مدیریت و رهبری جامعه در جهت مصالح مادی و معنوی می باشد (عمید زنجانی، ج ۲، ۱۳۸۹: ۱۴۸). سیاست در این تعاریف همان مدیریت کلان هدفمندی است که با انتخاب ساختار منسجم گسترده و با خدمت گرفتن امکانات مناسب، بهره وری تاکتیکی و مطلوب در سطح داخلی و خارجی را به همراه دارد.

## سیاست خارجی

عبارت است از یک سری استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهداف معین در چارچوب منافع ملی و در محیط

بین‌المللی است (علی بابائی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). همچنین سیاست خارجی به تابعی از سیاست داخلی و بویژه تابعی از نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هر کشور هم تعریف شده است (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۱۲۷). این متغیر، بنیادی است که از دو سو مورد تحول و تغییر متقابل و همزمان قرار می‌گیرد یکی از جانب فرصت‌ها و یا تهدیدهای داخلی و خارجی که سمت و سوی سیاست خارجی و ارکان تصمیم‌گیری، هزینه‌ها و سرمایه‌های جاری و بالقوه را درگیر می‌کند یعنی در واقع شرایط داخلی، توانمندی اقتصادی و نظامی و میزان پشتیبانی مردمی و نهادهای دولتی در تمام رویدادهای سیاست خارجی اثرگذار است یعنی مدیران سیاستگذاری خارجی و بین‌الملل با توجه به شرایط موجود دست به اقدام فراخور می‌زنند و دیگری تصمیمات در درون سیاست خارجی و سازمان مربوطه، با توجه به اینکه بر معیار و میزان منابع و ظرفیت‌های نیروی انسانی کارآمد است، لذا تمام دگرگونی‌ها و برنامه‌سازی‌های کشوری را تحت شعاع خویش قرار می‌دهد لذا این نهاد دارای منزلتی به شدت اساسی بوده و تزلزل هر چند محدود، همه برنامه‌سازی‌ها را مورد مخاطره قرار می‌دهد یا موجب تثبیت و تقویت بنیادهای ارزشی و مذهبی می‌گردد.

سیاست اسلامی تدبیر و هدایت جامعه در راه مستقیمی که از اینجا شروع و به آخرت ختم می‌شود و الی‌الله است. این سیاست مختص به انبیاء و اولیاء و به تبع آنها علمای بیدار اسلام و علمای بیدار هر ملتی است اصول و پایه‌های اساسی سیاست اسلامی در این دیدگاه عبارتند از خود پرستی به خدا پرستی، از شرک به توحید، رسالت پیامبران و راه خدا و راه طاغوت می‌باشد (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۱۷۳). توجه به دو بعد مادی و معنوی در تعالی جامعه نقشی راهبردی در سیاست اسلامی دارد به گونه‌ای که در این نوع از سیاست تحولات و تنش‌های موجود در جامعه مورد اهتمام دین اسلام بوده و از تمام ظرفیتهای موجود برای امتحان انسان برای رسیدن به کمال و رشد نهایی استفاده شده است به گونه‌ای که اختیار و اراده انسان با موهبت الهی عقل در میدان سیاست جامعه مورد سنجش قرار می‌گیرد تا بتواند با آگاهی از این موضوع طریقه هدایت را برگزیند و از راههای انحرافی به سلامت عبور نماید.

### سیاست خارجی دولت اسلامی

با تعریف و شناسایی سیاست اسلامی و سیاست خارجی، سیاست خارجی دولت اسلامی هم تبیین می‌شود که همان دستیابی به کرامت انسانی و ارزشمندی بشری با پیگیری و کوشش در



راه و مسیر تامین اهداف کلان و آرمان های ارزشی دولت در قالب تعاملات و مناسبات بین المللی راهگشا منتهی در سایه تعالیم و آموزه های نورانی دینی و متغیرهای راهگشای جهانی مکتب اسلام است.

عهدنامه مالک اشتر (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۰ و عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۷۳ تا ۲۷۵) یکی از منابع در زمینه تقویت کرامت انسانی در راستای اصول و راهبردهای سیاست خارجی دولت اسلامی می باشد که محور این پژوهش و مورد تأکید می باشد.

محتوای نامه ۵۳ از نهج البلاغه که خطاب به مالک اشتر نخعی می باشد، موضوع راهبردی نقش کرامت انسانی در قالب ویژگیهای کارگزاران دولت اسلامی بویژه رکن مهم سیاست خارجی دولت اسلامی است (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۶ تا ۵۹۱). این شاخصه ها، اصول، آرمان ها، معیارها، ضوابط و دستورالعمل های کرامت ساز در بعد سیاست خارجی دولت اسلامی و ارزشی در این سند ماندگار امام پرهیزگاران، دارای دو جنبه اثباتی و سلبی می باشند. جنبه اثباتی و مثبت آن، ناظر به پابندی و التزام به انجام و اقدام بوده و جنبه سلبی و منفی آن دوری گزیدن و اجتناب و دوری جدی از آنها می باشد. هر کدام از این متغیرها و فاکتورها به مانند دانه های یک زنجیر در یک سلسله به هم پیوسته ای است که، تاثیر مستقیم در سیاستگذاری وزرات خارجه دولت اسلامی داشته و تصمیم سازی های مثبت و یا منفی سیاست خارجی دینی هم موج آرامش بخش یا طوفانی سهمگین در سطح جامعه، نخبگان فرهنگی علمی سیاسی و در افکار عمومی ایجاد خواهد کرد.

### الف - ابعاد اثباتی (کرامت ساز)

در این محور، وقتی سیاست خارجی اسلامی با مدیریت و محوریت عنصر کرامت انسانی به بالندی و رشد قابل ملاحظه دست پیدا می کند که این اصول و ضوابط در آن رعایت شود و حقیقتاً مورد توجه و پاسداشت سیاستمداران در راینی ها، کنفرانسهای ملی، منطقه ای و بین المللی، تعاملات، مساعی بشردوستانه و اقدامات شایسته قرار گیرد. بطوری که در صورت اعمال سیاست خارجی مطلوب و در چارچوب ضوابط شرع، عرف و عقل سلیم، هرگز بین منافع ملی و مصالح کلان امت اسلامی هیچ گونه تغایر، تنازع، تضاد، اصطکاک، تعارض، تناقض و ناهماهنگی پیش نخواهد آمد. و همچنین حقوق بشر اسلامی با سیاست خارجی به روز و کارآمد، منزلت و جایگاه خویش را پیدا نموده و در واقع تئوری مردم سالاری دینی، جامعه مدنی،

آزادی، عدالت اجتماعی، رفع تبعیض نژادی و طبقاتی با همیاری ارزشمندی بشری و هویت انسانی به ثمر خواهد نشست. دین باوری در زمینه اقدامات سنجیده و مسالمت آمیز سیاست خارجی دولت اسلامی و یکپارچگی در سایه آموزه ها و تعالیم حیات بخش و جاودانه اسلامی بارور می گردد و اعتقاد قلبی در جهت بکارگیری عملی هر آنچه که به کرامت انسانی و عزت بشری بویژه در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی می انجامد در جان همه بشریت رسوخ و نفوذ عمیق می کند.

## ضرورت خودسازی

در این زمینه امام کاظم (ع) می فرمایند «از ما نیست (شیعه نمی باشد) کسی که هر روز خود را مورد محاسبه و ارزیابی قرار ندهد اگر کار نیکی انجام داده است از خدا زیادی آنرا بخواهد و اگر گناهی مرتکب شده است پشیمان شده و طلب بخشش از درگاه الهی کند» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۹۵). رهبر جامعه اسلامی که نقش اساسی در تعیین خط مشی سیاست خارجی داشته و همچنین کارشناسان روابط خارجی در این نهاد مهم خصوصا و همه اقشار جامعه در سطح عمومی، می بایست از جهت روحی بسیار خود ساخته، پرهیزگار و وارسته باشند تا هنگام تصمیم سازی و انتخاب بهترین عکس العمل حق محور، تحت تاثیر فضا و جو در جریانات و تحولات قرار نگیرند و از حق دور نشوند و زاویه پیدا نکرده و وسوسه دوستان نادان، سودجویان و فرصت طلبان موزی در آنها اثری نداشته باشند. در این صورت است که سیاست خارجی مصون از فسادها و انحرافات اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و اخلاقی می شود. در غیر این صورت، امکان لغزش و افتادن به دام های مختلفی که در روابط و سیاست خارجی فراوان است، وجود دارد. در این موضوع چند بازتاب منفی قابل تصور است که عبارتند از: سرمنشا بسیاری از انحرافات اخلاقی و سیاسی، کم کاری و سهل انگاری در انجام وظایف تعریف شده، ضعف روحی و نقص تقوای درونی، در کمند دسته ها و گروه های فرصت طلب افتادن و به عنوان آلت دست و ابزار ایشان قرار گرفتن و غیره.

## اخلاق رهبری و روش برخورد با مردم

تصور کشوری موفق، قدرتمند، الگو بخش، نشاط آفرین، کارآمد و خلاق بدون در نظر گرفتن

نقش پر رنگ رهبری در سطح وسیع و کلان جامعه و مدیریت تحولات پر نشیب و فراز بدون دخالت مستقیم رهبرش، غیر ممکن بوده و واقع شدن سیاست خارجی جذاب و پویا، بدون در نظر گرفتن این عنصر و رکن مهم نزدیک به محال می باشد لذا اخلاق، منش و سلوک رهبری در جامعه اسلامی نقش مهمی داشته و ارکان و عوامل انسانی سیاست خارجی و بین الملل از آنجایی که رهبر اسلامی را در مقام الگو می بینند؛ لذا ظرفیت برخورد مثبت و کریمانه و میزان بالای کرامت انسانی در رهبری تاثیر بسزایی در مسوولان مربوطه دارد. در واقع تمام تحولات و پیروزی های شگرف داخلی و خارجی تحت تاثیر اخلاق رهبری قرار دارد و با کاردانی ایشان است که قوت قلب، عزت نفس و کرامت انسانی در درون شهروندان جامعه اسلامی نهادینه می شود. در این راستا از جمله اوصاف و خصلت های پسندیده رهبری در این موضوع خاص به این موارد می توان اشاره کرد: مهربانی و عطوفت؛ دوری از رفتارهای شتابزده و خشونت بار؛ سعه صدر؛ دور اندیشی؛ تعبد، تدین و معنویت گرایی؛ مادی گرایی هدفمند، ارزشی و مثبت؛ زمان شناسی، جامعه شناسی و دشمن شناسی؛ شجاعت؛ عدالت طلبی و حق محوری؛ عدم استفاده و بهره برداری شخصی از امتیازات و امکانات دولتی به نفع خویش، خویشاوندان و دوستانش؛ سخنگویی توانمند و فصیح.

## مردم گرایی و حق گرایی

امام در این موضوع تاکید می کنند که مدیر جامعه و به تبع آن مسوولین سیاست گذاری خارجی و بین الملل، از دو موضوع و راهبرد بلند مدت و کوتاه مدت در برنامه ریزی ها، سرمایه گذاریها، مناسبات، تعاملات سرنوشت ساز و همکاری های گسترده خارجی هرگز غفلت نکنند: پاسداشت همیشگی حقوق مردم و پیوسته در مسیر و راه حق قدم گذاردن. در واقع وقتی سیاست خارجی کارآمد است که دارای دو شاخصه و ویژگی باشد حق طلبی و حق محوری و تامین حقوق مردم و مردم گرایی اصولی و آرمانی نه پول پرستی و تبعیت از هوای نفس و طرفداری از اقلیت اشرافی جامعه. در این زمینه کرامت انسانی و هویت بشری در عرصه سیاست خارجی دولت و امت اسلامی وقتی تامین می گردد که در تمام سیاستگذاری ها این دو محور و عنصر لحاظ شود: پاسداشت حقوق مردم براساس حق و عدالت سعادت بخش یعنی حمایت و اعتماد کردن بر مردمی که طرفدار حق هستند.

## ضرورت راز داری

به طور کلی دوام و بقای هر مملکتی، کارآمدی هر سیاستی، عظمت هر مکتبی، نفوذ هر تفکری، اقتدار هر حاکمیتی، جذابیت هر سیستم آموزشی، کارگشایی هر ارگان و سازمان داخلی و خارجی دولت اسلامی در گرو حفظ و حراست هوشیارانه از اطلاعات مهم و طبقه بندی شده است. لذا از بین نرفتن سرمایه های مادی، به نتیجه رسیدن برنامه ریزی ها، ثمر بخش بودن سیاست گذاری ها، کارآمد شدن محدودیت ها، شفاف شدن هزینه ها، روند رو به رشد اعتماد سازی در جامعه و تقویت قلوب مردم، بر ملا نشدن نقاط ضعف و آشکار شدن مطلوب نقاط قوت، قرار گرفتن سعی و تلاش های مربوطه در مجرا و کانال صحیح و واقعی خویش، مشخص بودن صفوف و خط بندی میان دوست و دشمن، هدر نرفتن سرمایه ها و منابع انسانی و نیروی های معنوی ارزشمند، شکل گیری عرف صحیح و معقول در راستای کرامت انسانی اثرگذار و تحرک آفرین، پاسداشت ارزشها و اسرار درونی سازمانها و نهادهای تابعه بویژه در حوزه سیاست خارجی اسلامی، به حداقل رسیدن تنش و فضای درگیری و مخاصمه در کشور و در ادامه آن در سطح منطقه و جهان در سایه حفظ و نگهداری دقیق و خردمندانه از اطلاعات، آمار و ارقام راهبردی و بنیادی می باشد.

## جایگاه صحیح مشورت

در این موضوع، داشتن سیاست خارجی کارآمد و فعال بدون مشاورانی بصیر، متخصص و پرهیزگار امری غیر ممکن است زیرا تعاملات، همکاری ها و مناسبات خارجی و بین المللی نیازمند شناخت جامع از وضعیت داخلی و اوضاع خارجی و بین المللی و توانمندی کشورها در برقراری این ارتباطات می باشد که یکی از بهترین مکانیسم ها در این زمینه شناسایی، مشورت، رایزنی و استفاده از تجربه و توانایی کارشناسان نخبه و اندیشمندان توانمند می باشد. در صورتی که دست اندرکاران وزارت امور خارجه دولت اسلامی از تیم کارشناسی زبده و پویا برخوردار باشند علاوه بر تضمین کرامت انسانی اتباع دولت و ملت مسلمان، این بازتاب های مثبت را نیز در بر خواهد داشت: تقویت روحیه اعتماد بنفس و شفاف سازی در افکار عمومی داخل و خارج از مرزهای دولت اسلامی؛ شکوفایی استعدادها، توانایی ها و ظرفیت های بالقوه و بالفعل

شهروندان دولت اسلامی به ضمیمه رشد و بالندگی کرامت انسانی محسوس و عینی در فضای جامعه؛ مدیریت و خلاقیت در آینده پژوهی سامان یافته و کاربردی؛ توسعه و پیشرفت همزمان دولت و امت اسلامی با از بین بردن نقاط ضعف و کاستی و تقویت و توانمند سازی نقاط قوت؛ خنثی شدن نقشه ها و توطئه های دشمنان؛ از بین رفتن شک و تردیدها در تلازم و عینیت بین منافع ملی و مصالح کلان امت اسلامی.

## اصول روابط اجتماعی رهبران

یکی از این اصول در بین رهبران و سردمداران سیاست خارجی دولت اسلامی، پابندی، تعهد و الزام بر عمل کردن بر متن پیمان نامه ها و قرار دادهای قانونی و ضابطه مند است که بین دو یا چند دولت منعقد می شود که یکی از طرف های این قرار داد و معاهده نامه، دولت اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۴ و ۵ و ۵۰۵). نظم و انسجام در امور یکی دیگر از مواردی است که باید سرلوحه برنامه ریزی و اقدامات موثر قرار داشته باشد. علاوه بر اینها، رهبر جامعه اسلامی و بویژه مدیران سیاست خارجی و تعاملات فرا منطقه ای در صدر اصول و برنامه ریزی ها می بایست چند رکن مهم و راهبردی عدالت، امنیت، ارزش های اخلاقی و تقوا را بگنجانند. گونه های مختلف عدالت بویژه عدالت اجتماعی ضامن دوام، پایداری و بقای نظام اسلامی می باشد. امنیت بستر ساز ارزشمندی است که ثبات و آرامش جامعه را تضمین نموده و در سایه سار آن، بقیه ارگان ها و نهادهای سرنوشت ساز، بخوبی اقدامات مناسب را تعریف، بازسازی و اعمال می کنند. ارزش های اخلاقی سمت و سوی مثبت فطری و تعاملی هنجاری را در مناسبات جهانشمول و روابط خارجی سرنوشت ساز رقم می زند. و تقوا بهترین و کارآمدترین سپر محافظتی و امنیتی در برابر هجمه و یورش انواع فساد های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی بویژه در صحنه پرجنجال سیاست خارجی است.

## شناخت اقشار مختلف اجتماع

اجتماع انسانی به مانند اقیانوسی است که در خود موجودات، اشیاء و گوهرهای ارزشمندی را جای داه است که باید مورد شناسایی و انتخاب به هنگام قرار گیرد لذا مسئولان رد بالایی نظام اسلامی و کارگزاران تراز اول سیاست خارجی برای ارزشمندی این خیل عظیم سرمایه های

انسانی اجتماع و جهت رعایت، حفظ و پاسداشت کرامت-انسانی حقیقی و مدیریت اصلح و بی نقص جامعه دینی می بایست از بستر جامعه و توده های عمومی شهروندان، این ابزارها و استعدادهای گرانها را شناسایی کرده و در موقعیت مناسب خویش از آن به بهترین صورت استفاده کنند. این بازوان توانای دولتی و سیاست خارجی در سه رده قرار می گیرند که هر سه مورد نیاز مبرم هستند: نیروی کاری که از توانایی جسمی، قدرت بدنی، سخت افزاری و قدرت فیزیکی بالایی برخوردار هستند؛ نیروهای علمی و فرهنگی با برخوردار بودن قدرت مغزی و هوش سرشار فکری و نرم افزاری، توانمندی اداره محورها و موضوعات کلیدی و بنیادی سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، امنیتی، علمی، آموزشی و پژوهشی را دارا بوده و در پست های حساس به کار گرفته می شوند و سرانجام نیروهای مدیریتی که با هوش بالای رهبری و ریاستی اجتماع و مراکز اجتماعی مهم، نقش هماهنگ سازی روابط ساختار مند و اصولی را راهنمایی و راهبری می کنند.

### سیمای نظامیان

در هر دولتی نیروهای امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی نقش چشمگیر بازدارندگی در مسائل چالشی خرد و کلان به خود اختصاص می دهند. لذا سازمان و نهاد راهبردی سیاست خارجی اسلامی در اجرای برنامه های خویش نمی تواند موفق باشد مگر اینکه نقش کلیدی و محوری هویت بخشی و امنیت دهی نظامیان را در نظر داشته باشند که این ارگان های نظامی اطلاعاتی و امنیتی علاوه بر تامین امنیت مسوولان سیاسی بالای حکومتی، سفراء و دیپلمات های خارجی و هیات های عالی رتبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خارجی، از بعدی متفاوت نیز در سطح ملی در برخورد با افراد و گروه هایی مانند جاسوسان، اراذل و اوباش خیابانی، اختلاسگران بیت المال و درآمدهای مشروع مسلمانان، باندهای قاچاق مواد مخدر، کالا، سوخت و اعضای انسان، گروه های هنجار شکن، مفسدین فی الارض و تهدید کنندگان نوامیس مردم، احتکارکنندگان و غیره که کرامت انسانی شهروندان جامعه و آرامش افکار عمومی و جو سیاسی و دیپلماتیک را تهدید می کنند، نقش اساسی و راهگشا ایفا می کنند.

## قضات

یکی از اقشار و عناصر تاثیرگذار در حیطه کلان و در سطح بالایی اجتماعی که سیاست خارجی دولت اسلامی هم از آن متأثر می گردد، قاضیان و متصدیان حل و فصل اختلافات و تنازعات در سطوح مختلف و در موضوعات متنوع می باشد که در صورت درست انجام وظیفه و بکارگیری عدالت در صدور رای و رفع دعاوی، فضای جامعه بدور از التهاب و تنش قابل ملاحظه ای خواهد بود و در نتیجه کرامت انسانی شهروندان جامعه محفوظ خواهد بود. ولی در غیر این صورت، با خراب شدن افکار عمومی در سطح وسیع بطور طبیعی ناعدالتی و اجحاف در تمام بدنه حاکمیت اسلامی اثرات سوئی را به جا گذاشته و موجی از نارضایتی را در پی خواهد داشت لذا سیاست خارجی و بین المللی هم دچار آفت و چالش می شود. در سطح بین المللی و جهانی هم تامین کرامت انسانی و ارزشمندی بشری به عدالت محور بودن ارگان های نظامی مربوطه، رای قضات بین المللی و بویژه دادگاه بین المللی لاهه می باشد زیرا تقویت کرامت انسانی فقط با مهربانی، مدارا و عطف حاصل نمی شود، بلکه گاهی باید با قاطعیت در ضرب و جرح، زندان، محاکمه، بازجویی و غیره هنجارشکنان، جنایتکاران و خونریزان را تحت فشار و در معرض محاکمه قاطعانه و در دید افکار عمومی قرار دهند تا آئینه عبرتی برای بقیه گردد و در صدد تکرار اعمال خلاف قبلی بر نیایند.

## کارگزاران دولتی

این رکن در بدنه دولت اسلامی و بویژه در نهاد سیاستگذاری خارجی و بین المللی در صورت فعالیت سازنده و کارگشا علاوه بر پاسداشت کرامت انسانی شهروندان مسلمان در داخل و خارج مرزهای اسلامی، اهرم های محرک پرتوان و فعال سیاست ها و مدیریت جذاب داخلی و خارجی محسوب می شوند. در راستای تحقق اثر بخش اقدامات این طیف وسیع از کارمندان دولت، وجود یک ارگان امنیتی، نظارتی و بازرسی مقتدر و پرصلابت بسیار ضروری و حیاتی می باشد تا با رصد و مراقبت از نقاط ضعف و قوت این قشر، کارائی آنها را با تشویق های به موقع بالا برده و از ضعف و سستی آنها جلوگیری نموده و دست خیانت پیشه گان و تجاوزکاران را در این عرصه محدود و کوتاه کنند.

## مالیات دهندگان

اقتصاد، پول و سرمایه ابزاری مناسب و شایسته در خدمت حاکمیت اسلامی است تا با بهره گیری به موقع و به هنگام از آن، کرامت انسانی امت اسلامی را تامین نماید. در این بین تقویت بنیه مالی و اقتصادی معیشتی این نهاد و تمامی سازمان های دولتی در حکومت اسلامی در گرو رونق تولیدات داخلی است که این تولید در دو عرصه مهم تولید کالا و خدمات نقش آفرین می باشد. و سیاست گذاری اسلامی دولت در راستای تحقق هویت انسانی، در ارائه خدمات کنسولی و دیپلماتیک فعال و مناسبات راهبردی است که از جمله آنها رفتار عزت مندان و افتخارآمیز سفراء، دیپلمات ها و رایزنان فرهنگی کشور اسلامی در برابر کشورها و دولت های غیر اسلامی می-باشد. و بخش مهمی از این رونق را مالیات دهندگان تامین می کنند. نکته اساسی این است که در وضع، نظارت و اجرای واقعی قوانین مالیاتی، باید اوضاع کاری و شرایط معیشتی جامعه و مردم را در نظر گرفت و این مواد قانونی نباید بهانه و بستری فراهم کنند که زمینه ظلم و ستم به مردم و نارضایتی عمومی و معقول شهروندان را فراهم کند.

## نویسندگان و منشیان

ضبط قوانین و نگارش دستورالعمل های لازم الاجرا در دولت و در تمامی ارگان های مردم نهاد از جمله وزارت امور خارجه امری است بسیار مهم که نویسندگان، قانون دانان و اهل قلم در این زمینه فعال می باشند. در این بستر است که قوه مقننه و کمیسیون های مرتبط با تدوین قوانین و مواد قانونی علمی، کاربردی و بنیادی، زمینه مناسبی در راستای منویات دولت اسلامی و رهبر فرزانه آن فراهم نموده و در غیر اینصورت، کارایی و نوع عملکرد مثبت مجریان با مشکل مواجه می شود و نقاط منفی در متن بخش نامه های دولتی یا خصوصی، سیاست های خرد و کلان دولت را با چالش روبرو می کند و در صورت شفاف بودن قوانین و بخش نامه ها، حجت بر همگان تمام می باشد و در صورت ابهام، بهانه و عذر باقی می ماند و ممکن است افراد در انجام وظیفه خویش کوتاهی و سهل انگاری کنند که نتیجه این سهل انگاری و بی تفاوتی به برطرف کردن معضلات قانونی، خدشه دار شدن کرامت انسانی و آسیب دیدن هویت بشری است.



## بازرگانان، صاحبان صنایع و محرومان و مستضعفان

این افشار پرتلاش، با اراده و آبرو مند چرخه مولد فرهنگ، اقتصاد و سیاست را با زحمات طاقت فرسا در سطوح پائین و میانی جامعه به گردش در می آورند لذا زمینه و بستر اصلی شکل گیری کرامت انسانی و ارزشمندی بشری در جامعه اسلامی و بویژه عرصه روابط خارجی با ایجاد پشتوانه و رکنی استوار، به این سطوح از اجتماع برمی گردد. در این زمینه هر چند اگر نباشد حمایت های معنوی و مادی این قشر اثر گذار، با از بین رفتن تکیه گاه های قوی و نقاط اعتماد عظیم مردمی، بنیادهای مستحکم دولتی و سیاست خارجی فرو خواهد ریخت و اقتدار، هیبت، جذابیت و کارایی اولیه خود را از دست خواهد داد. لذا داشتن حاکمیتی مقتدر و سیاست خارجی بالنده و اثر گذار در گرو پاسداشت حرمت این افشار مهم اجتماع اسلامی می باشد. در واقع با نادیده گرفتن نقش پر رنگ این گروه از جامعه، ستون های سیاست خارجی و داخلی فرو خواهد ریخت و انسجام جامعه دینی از بین خواهد رفت.

## روش برخورد با دشمن

در فرهنگ غنی اسلام و آموز های دینی، جنبه ایجابی از امنیت مقدم بوده لذا همیشه اصلاح، تربیت نفوس، تحول روحی، انقلاب درونی و هدایت مقدم بر نابودی، قتل و انهدام کامل است و این عرف پسندیده در مواجهه با دشمن نیز با بکارگیری روشهای منصفانه و رویکرد جوانمردی به خوبی تجویز شده و جوابگو می باشد این محور در چندین فاکتور و متغیر قابل توجه است که عبارتند از: شناخت دقیق دشمن در موضوعات تجزیه و تحلیل زیرکانه اوضاع و شرایط زمانی و مکانی، توانایی نیروی انسانی آنها، امکانات لجستیک و سخت افزار، نقاط ضعف خودی، آگاهی شان از وضعیت جبهه مقابل، عدم بزرگنمایی دشمن و تقویت جبهه خودی، رصد، مراقبت و پیگیری تحرکات و اقدامات دشمن هر چند کوچک باشد، عدم خیانت و شیخون نزدن به دشمن و پایبندی جدی بر توافق، پیمان نامه ها و تعهداتی که منعقد شده است، گماردن نیروهای نفوذی کارکشته در صفوف دشمن، برخورد از روی انصاف، جوانمردی و مروت در صورت پیروزی و دست یافتن بر آنها و پاسداشت کرامت انسانی ایشان از جمله مثله نکردن کشتگان ایشان، آب و غذا دادن، پرهیز از ضرب و شتم بی مورد، مراقبت از خردسالان و از کارافتادگان، عدم بهره کشی و ظلم به اسیران، اجتناب از شکنجه جسمی و روحی اسیران.

## ب- ابعاد سلبی (کرامت سوز)

در این بخش در صورتی که کارگزاران و مسئولان سیاست خارجی دولت اسلامی از این موارد پرهیز جدی نکنند، با سستی و فرو ریختن پایه های کرامت انسانی و تزلزل ویرانگر عناصر ارزشمندی و هویت سرنوشت ساز بشری، ارکان سیاست خارجی فعال با از دست دادن پشتوانه اساسی خویش که حمایت مردمی و انگیزه های معنوی و الهی است هم نابود خواهد شد. و در این صورت است که مخاطرات سیاسی (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۲۸۳ تا ۲۸۷) در صحنه مدیریت خارجی به میزان حداکثری رشدی فاجعه آمیز و هولناکی خواهد داشت. با این وضعیت گسست و شکافی بسیار عمیق و جانکاه بین دو متغیر منافع ملی و مصالح گسترده امت اسلامی ایجاد خواهد شد و خود این موضوع، نابسامانی، اختلاف و تفرقه بیان کن را موجب خواهد شد و زمینه بسیار وسیع خانمان براندازی را برای از بین رفتن اقتدار و عزت مسلمانان و سوء استفاده و استعمار دشمنان از فرصت بدست آمده را فراهم می کند. در این موج فتنه است که روحیه تبعیض و برتری نژادی رشد کرده و ملی گرایی منفی جای عدالت اجتماعی و اختلاف طبقاتی بجای مساوات و برادری اسلامی، ایمانی و فطری را خواهد گرفت. در این راستا با افزایش بی رویه روحیه دین گریزی، دین هراسی و دین ستیزی، میدان برای جولان مکاتب و آئین های ساختگی از قبیل سکولاریزم (جدایی دین از سیاست)، فمینیسم (زن سالاری)، اومانیسیم (انسان محوری)، نهیلیسم (پوچ گرایی)، دموکراسی لیبرال و سرمایه داری افسار گسیخته غرب مهیا می گردد و دیگر تشخیص حق از باطل بسیار دشوار می شود. بطور طبیعی در چنین فضا و جو مسمومی است که مردم با احساس کمبود روحی و معنوی ناشی از خلا پرستش درونی فطری مطلوب و بازتاب های القانات و آموزه های پست و خرافی این مکاتب دروغین، به عرفانهای کاذب و ادیان انحرافی روی می آورند که شیوع هر چه گسترده این موضوع نابودی تمامی راه حل های سیاست خارجی و در نتیجه نابودی کامل کرامت انسانی و پایمال شدن حقوق کامل بشر و حقوق شهروندی اش را به دنبال خواهد داشت.

## هشدار در باره ریختن خون ناحق

در این زمینه آیات و روایات زیادی ذکر شده است که به چند مورد اشاره می شود:  
آیات: «کسی را که خداوند خونس را محترم شمرده، جز به حق نکشید» (سوره مبارکه اسراء/

۳۳)». «و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر که مرتکب چنین اعمالی شود، مجازات سختی خواهد دید (سوره مبارکه فرقان/ ۶۸)». «و هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است در حالی که همیشه در آن می ماند و خداوند بر او خشم می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی برای او آماده ساخته است (سوره مبارکه نساء/ ۹۳)». «هر شخصی، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را به قتل رسانده و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که همه مردم را زنده کرده است (سوره مبارکه مائده/ ۳۲)».

روایات: امیر مؤمنان علیعلیه السلام فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: سخن چین، قاتل و شراب خوار (صدوق، ۱۳۸۱: ۵۵۷).

امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به نیم کلمه در کشته شدن مؤمنی سهیم باشد، در روز قیامت در حالی وارد محشر می گردد که در میان دو چشم او نوشته شده باشد: ناامید از رحمت خداوند عزوجل (صدوق، ۱۳۸۱: ۶۹۸).

از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند متعال به موسی بن عمران وحی فرمود: ای موسی! به بزرگان بنی اسرائیل بگو که شما را از کشتن انسانی که کشتن او حرام است بر حذر می دارم، زیرا هر یک از شما که در این دنیا کسی را (به ناحق) بکشد، او را صد هزار بار به همان طرزی که آن را کشته است، در آتش خواهم کشت (صدوق، ۱۳۸۱: ۷۰۲ و ۷۰۳).

از تجزیه و تحلیل و بررسی آیات شریفه و روایات نورانی و تعابیر تند و تکان دهنده ای که ذکر شده است چنین استفاده می شود که در موضوع مورد نظر هیچ عاملی مانند ریختن خون به ناحق و از روی ظلم پایه های کرامت انسانی، ارکان دولتی و ستون های استوار سیاست گذاری خارجی دولت اسلامی را متزلزل نمی کند. و حاکمیت اسلامی و بویژه دستگاه سیاست گذاری خارجی باید تمام توان و ظرفیت خود را در راستای پاسداشت و تقویت کرامت انسانی بکار گرفته و با تدوین قوانین (قماش، ۱۳۹۳: ۱۸۱) و مکانیسم های دقیق اجرایی و نظارتی از وقوع چنین گناه دهشتناکی جلوگیری کند. در غیر این صورت، گناهی است که در صورت ارتکاب، به سرعت آثار وخیم و بازتاب های ویرانگر خود را در جامعه نشان می دهد که برخی از آنها عبارتند از خشم الهی و رخت بر بستن برکت و امدادهای غیبی از حاکمیت دینی، خدشه دار شدن مشروعیت حکومت اسلامی، ناکارآمدی سیاست داخلی و خارجی فعال، آسیب دیدن و تردید

افکار عمومی، ضعف پشتوانه و حمایت های مردمی ملی و بین-المللی، معرفی چهره ناپسند و خشونت بار از اسلام عزیز، روندرو به رشد تنفر و انزجار شهروندان، پایمال شدن حقوق شهروندی و حقوق بشر، لکه دار شدن عدالت اجتماعی و غیره.

سیاست گذاری دولتمردان حکومت و بویژه نهاد سیاست خارجی اسلامی باید به سمت و سویی باشد که بطور جدی از هرگونه عمل و اقدامی مانند ریزنی شتابزده، مشورت ناآگاهانه، شرکت در نشست های شبهه ناک، تصویب قوانین مبهم، همایش های فریب دهنده، کنفرانس های نسنجیده، پیمان های خائنانه، تعاملات و مناسبات پرهزینه بی ثمر، حمایت های بشردوستانه نابخردانه، تائید و امضای اسناد بین المللی مشکوک، روابط ملی گرایانه منفی و با جو نژاد پرستی دهشتناک، پروتکل های جانب دارانه و با فضای غرض ورزی و غیره که هر مورد به نحوی منجر به خونریزی به ناحق در سطح خرد یا کلان می شود اجتناب و احتیاط فوری باشند.

### هشدار از منت گذاری

اشاره قرآن مجید به عوامل منت گذاری از جمله وسوسه های شیطانی، کفر به خدا و تحقیر (سوره مبارکه ناس/ ۵، سوره مبارکه حجر/ ۳۹، سوره مبارکه نساء/ ۳۸ و ۳۹، سوره مبارکه بقره/ ۲۶۴، سوره مبارکه شعراء/ ۱۸) حاکی از اهمیت این رذیله در سقوط به وادی تباهی و شقاوت و همچنین یکی از موانع جدی پیروزی و کامیابی و راهیابی بشر به کرامت انسانی است. در راستای همین موضوع خداوند در سوره بقره با تشبیه انفاق همراه با منت، به احسان همراه با ریای مشرکین، بر این نکته پافشاری می کند که همان گونه که انفاق کافران اصلاً صحیح نبوده و مورد قبول واقع نمی شود، انفاق همراه با منت نیز چنین است و هرگز قابل قبول نخواهد بود (سوره مبارکه بقره/ ۲۶۴). در همین زمینه امام صادق (ع) نیز فرموده است: منت نهادن ارزش نیکبها را از بین می برد (کلینی، ۱۴۲۷، ج ۷: ۲۵۷).

یکی دیگر از مواردی که بنیان مستحکم کرامت انسانی و ارزشمندی بشری را متزلزل نموده و ارکان سیاست اسلامی و بویژه نهاد سیاست خارجی را تخریب می کند، منت نهادن است. این رذیله اخلاقی و انحراف روحی کارگزاران سیاست خارجی موجب روحیه بدبینی و بی اعتمادی در داخل و خارج از کشور می شود و روند سالم تحولات و ریزنی های پویا و حرکت آفرین را درگیر فتنه و تش فراوانی خواهد کرد. در این راستا فعالان عرصه سیاست خارجی کشورهای همسایه یا بیگانه حسن نیت خود را از دست می دهند و از مدارا و همکاری صمیمانه اجتناب می

ورزند و در تعهد و وفا داری بر عهدنامه ها و پیمان ها خلل وارد شده و ممکن است میثاق های منطقه ای یا بین المللی انکار یا نادیده گرفته شود.

## هشدار از شتابزدگی

در همین زمینه حدیثی از رسول خدا(ص) نقل شده که: مردم را شتابزدگی نابود می کند، اگر مردم با تأمل و تفکر کارها را به سرانجام می رسانند کسی هلاک نمی شد(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۳۴۰). و با لحاظ مستندات قرآنی عجله و شتابزدگی(سوره مبارکه کهف/ ۶۶ تا ۶۹، سوره مبارکه ص/ ۲۱ تا ۲۴، سوره مبارکه قلم/ ۴۸ تا ۵۰، سوره مبارکه طه/ ۱۱۴، سوره مبارکه انبیاء/ ۳۷، سوره مبارکه اسراء/ ۱۱) می توان این گونه تحلیل نمود که سیاست خارجی و راهبرد سیاست بین المللی همواره با چهار عنصر و متغیر اساسی تجزیه و بررسی می شود: نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت ها و تهدیدها، و از آنجایی که سیاست خارجی عرصه نبرد و پیکار اندیشه ها و جبهه جولان افکار و خودنمایی غیر مستقیم تدابیر است لذا سیاستی در داخل و خارج از کشورها از عهده طوفان های سهمگین مناسبات و روابط پویا و استراتژیک بر می آید که با کمال دور اندیشی و برآورد حقیقی و منطقی نیروها، استعدادها و امکانات بالقوه و بالفعل و با در نظر داشت فضای تعاملات بین المللی، با تفکر و بهره گیری از رای اندیشمندان و نخبگان این عرصه، اقدامات سنجیده و معقول را رهبری و نظارت کرده و به اجرا گذارند. در غیر این صورت، بسیاری از زمینه های سازندگی و آبادانی از بین رفته، فرصت ها تخریب و نادیده گرفته می شود، تهدیدها رشد کرده، نقاط قوت به ضعف متمایل گشته و نقاط ضعف ممکن است با بزرگنمایی دشمنان بیش از پیش گسترش پیدا کند. در چنین بستری است که در سایه سیاست خارجی ناکارآمد و از عوارض سیاست داخلی سست شده، سرمایه های خدادادی و انسانی به هدر رفته و یا زمینه تلف شدن آنها به طور کامل و تدریجی فراهم می شود. همه این عناصر با پیامدهای زیانبار و تاثیرات متقابل غیر قابل انکار، رفته رفته موجب از بین رفتن اقتدار، شوکت و ابهت دولت اسلامی و عظمت حاکمیت دینی می شود. و در نتیجه زمینه دخالت و نفوذ لجام گسیخته دشمنان دین و از بین رفتن استقلال و هویت جامعه اسلامی و لکه دار شدن کرامت انسانی شهروندان را در پی خواهد داشت.

## هشدار از امتیاز خواهی

یکی از پیامدهای مخرب امتیاز خواهی منفی و غیر اصولی در حاشیه سیاست خارجی دولت اسلامی و روابط بین المللی حاکمیت دینی، خدشه دار شدن کرامت انسانی و عزت نفس بشری است که در زمینه بازتابهای آسیب به کرامت انسانی به این موارد می توان اشاره نمود: بلوکه و انحصاری کردن امتیازهای عمومی به نفع خویش، ورود به عرصه های ممنوع دیپلماتیک و رایزنی های غیر شرعی، آلوده شدن به درآمدهای حرام و نامشروع از مسیر اختصاص اعتبارات مردمی و همگانی، خیانت به جبهه خودی و رایزنی و همکاری غیر مستقیم با دشمن، منافات داشتن با پرهیزگاری و تقویت روحیه منفی حرص و طمع ذلیل کننده، پیروی از هوای نفس و خواهش های درونی رسوا کننده، وسوسه و تشویق در زمینه تعاملات سوء پشت پرده با نیروهای نفوذی و جاسوس دشمن و پرده پوشی و در بعضی موارد انکار صریح این جریان خزنده مسموم از نیروهای خودی و طرفدار نظام اسلامی.

غیر از موارد یاد شده، از موضوعات عمومی که در کلام سیاسی تشیع و فقه سیاست خارجی نقش مهمی دارد؛ طرح بحث کلیدی حق و باطل است و اینکه امتیاز خواهی غیر قانونی از مظاهر کامل باطل و روی گردان شدن از حق و زاویه پیدا کردن از محوریت سعادت و هدایت در جامعه بوده که خود این امر سبب گرایش به دسته بندی های باطل در سایه قانون گریزی، انحصارطلبی و خود محوری می باشد.

## پرهیز از غرور و خود پسندی

با توجه به مستندات قرآنی غرور و خودپسندی (سوره مبارکه اعراف/۱۲، سوره مبارکه هود/۲۷ و ۳۲ و ۹۱، سوره مبارکه زخرف/۵۱ و ۵۲، سوره مبارکه آل عمران/۲۴، سوره مبارکه اعراف/۷۷، سوره مبارکه حدید/۱۴، سوره مبارکه منافقون/۸ و ۷) و این حدیث شریف که می گوید: خداوند متکبران را به صورت ذره محشور می کند و مردم لگدمالشان می کنند، چون خداوند را کوچک و خوار شمرده اند (فیض کاشانی، ۱۳۹۶، ج ۶: ۲۱۵).

این رذیله اخلاقی موجب می شود که کارگردانان سیاست خارجی در صورت عدم اجتناب از آن، از مشورت، همکاری و رایزنی با اندیشمندان نخبه و کارشناسان توانمند اعراض کنند و خودسرانه و بی مهابا تصمیماتی را بگیرند که پیامدهای ناخوشایند کلانی را به بار بیاورند. که

جبران آنها غیر ممکن یا بسیار سخت و طاقت فرسا باشند. این مشکل اخلاقی دارای چندین بازتاب منفی در سطح خرد و کلان می باشد: نادیده گرفتن قوانین و اصول مدیریتی و سیاسی، نادیده انگاشتن سلسله مراتب ریاستی و مسوولین مربوطه، ندیدن عیب ها و نقایص خود، خود برترینی و توهم کامل بودن شخصیتی و روانی، تخریب روابط کامل و سالم سیاسی و فرامرزی، نگاه تحقیر آمیز به بقیه داشتن حتی به دوستان خیرخواه و دلسوز، بی رنگ شدن جذابیت های اخلاقی و هنجاری در صحنه سیاست خارجی و سیاست بین الملل، نادیده گرفتن مرزبندی های اخلاقی و اقتصادی در تعاملات داخلی و خارجی، از همه مهمتر از دست رفتن کرامت انسانی خویش.

## نتایج

پویایی روابط بین الملل و توانمند اسلامی با مبنای ارزشمند ارزشمندی بشری آنها با بازوان پرتوان سیاست خارجی دینی موضوعی است که دارای ظرفیت فوق العاده ای می باشد در این راستا با لحاظ محوریت نهج البلاغه بویژه رویکرد انحصاری به نامه ۵۳ آن در این پژوهش، کرامت انسانی به عنوان یکی از اهداف کاربردی و مبانی ارزشمند سیاست خارجی دولت و حاکمیت اسلامی، از سه جهت جزء اهداف سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک نقش آفرین محسوب می شود اهداف پائینی، میانی و بالائی. در حقیقت کرامت انسانی در همه سطوح و لایه ها، هم در تعیین برنامه ریزی ها، راهبردها و اولویتهای مربوطه نقش ایفا می کند هم باید در صحنه عملیاتی و اجرا مورد توجه قرار گیرد هم در نظارت و بازرسی مورد تأکید سازمانهای مردم نهاد قرار داده می شود. به عبارتی هم کرامت انسانی در بستر جامعه بشری سعادت ساز و هدایت بخش است و هم در صورت نادیده گرفتن و بی توجهی به آن، زمینه ها و بسترهای هدایت، سعادت و موفقیت بتدریج نابود خواهد شد. در این بین به علت حساسیت، استراتژیک بودن و پیچدگی نهاد سیاست گذاری خارجی و بین المللی دولت اسلامی، جهت پاسداشت کرامت انسانی و عزتمندی بشری، چهار سطح از مردم جامعه اسلامی نیز درگیر هستند: رهبریت نظام، مسوولین رده بالای سیاست خارجی، نیروهای نظامی و انتظامی و عموم اقشار و شهروندان نظام اسلامی.

## کتابنامه

---

قرآن کریم

ابن بابویه صدوق، محمدبن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمدعلی مجاهدی، قم، سرور، ۱۳۸۱ش.

ابن فارس، ابوالحسین، معجم مقائیس اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴.  
امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، سیدرضی، ت محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین(ع)، ۱۳۷۹.

آقا بخشی، علی و افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.

۶- بهشتی، احمد، اندیشه سیاسی تربیتی علوی در نامه های نهج البلاغه (نامه ۵۳)، ج ۶، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

جمعی از نویسندگان، دانشنامه امام علی(ع)؛ ج ۶ سیاست، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

جمعی از نویسندگان، فرزانه ای که با نهج البلاغه زیست، قم، دارالفکر، ۱۳۷۰.  
چلونگر، محمدعلی و شاهمرادی، سیدمسعود، دولت های شیعی در تاریخ، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۹۵.  
حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۰.  
شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.

علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین الملل، تهران، وزارت امور خارجه، پنجم، ۱۳۸۷.  
علی بابائی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، تهران، آشیان، ۱۳۸۲.  
عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ویراستار: عزیزالله علیزاده، تهران، راه رشد، ۱۳۸۹.  
عمیدزنجانی، دانشنامه فقه سیاسی، تدوین ابراهیم موسی زاده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.  
عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ ج ۳ حقوق بین الملل اسلام، تهران، امیرکبیر، دوم، ۱۳۷۳.



عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱؛ حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تهران، فرهوش، ۱۳۹۶.

قماش، سعید، کرامت انسانی و نقش آن در جرم انگاری، تهران، میزان، ۱۳۹۳.

قوام، سیدعبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت، یازدهم، ۱۳۸۴.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹.

گریفیتس، مارتین، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، علیرضا طیب، تهران، نشر نی،

۱۳۸۸.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة، بیروت، دار احیاء

التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳.

مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،

دوم، ۱۳۸۳.

